



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل: متن قوانین - تصویبنامه ها - صورت مفصل مذاکرات مجلس شورای ملی
اخبار رسمی - فرامین - انتصابات - آئین نامه ها - بخش نامه ها - آگهی های رسمی و قانونی سوالات

شماره تلفن: ۸۸۹۴-۸۸۹۵ - ۸۸۹۶-۵۴۴۸

سال پنجم - شماره ۱۲۱۳

صفحه ۴۱۲۶

دوره یازدهم قانونگذاری

شماره مسلسل ۱۶۸۴

میر: سید محمد هاشمی

شنبه ۲۹ فروردین ماه ۱۳۲۸

روزنامه یومیه

فهرست مندرجات

صورت مشروح مذاکرات صد و پنجاه و ششمین

جلسه دوره یازدهم از صفحه ۱ تا ۸

۲ - آگهی های رسمی ۹

مذاکرات مجلس

بقیه جلسه ۱۵۶

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز ۳ شنبه بیست و سوم فروردین ماه ۱۳۲۸
فهرست مطالب:

۱- تقدیم يك فقره لایحه راجع باصلاح لایحه بودجه ۱۳۲۸ بوسیله وزیر دارائی.

۲- انتخاب کمیسیونها و تصویب صورت مجلس اسبق

۳- طرح استیضاح آقایان مکی و دکتر بقائی

۴- تعطیل جلسه به عنوان تنفس.

مجلس يك ساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای امیر حسین ابلیخان (نایب رئیس) تشکیل گردید

۱- تقدیم يك فقره لایحه راجع باصلاح لایحه

بودجه ۱۳۲۸ بوسیله وزیر دارائی

نایب رئیس - آقای وزیر دارائی لایحه ای دارید؟ بفرمائید.

وزیر دارائی - خاطر آقایان مستحضر است

که لایحه بودجه مملکتی در اوایل اسفند تقدیم شده بود (بطور جمله معترضه هم عرض میکنم که فروردین هم تمام شد و متأسفانه هنوز بهیچ مرحله ای نرسیده است) (یکی از نمایندگان - اصرار بکنید و از مجلس بخواهید) در موقعیکه این لایحه تقدیم میشد هنوز قانون سازمان برنامه نگذشته بود و مطابق قانونیکه در پارسال گذشته بود ۷۰ درصد عایدات نفت برای برنامه کنار گذاشته شده بود ولی چون قانون برنامه گذشت مطابق قانون باید صد درصد عواید نفت به برنامه اختصاص داده شود بنابراین در لایحه بودجه ای که داده شده تغییراتی داده شده که در جمع درآمد صد درصد

از عایدات نفت برای برنامه در نظر گرفته میشود ضمناً يك اعلامی که جزو بودجه عمرانی کشور بودو مربوط بود بکارهای برنامه این قسمت هم خارج شده و چون این قسمت باید در کمیسیون بودجه اصلاح میشد لایحه ای تقدیم میشود که بکمیسیون ارجاع شود و نسبت بآن تصمیم گرفته شود

نایب رئیس - آقای دکتر بقائی فرمایشی دارید؟ بفرمائید.

دکتر بقائی - آقایان محترم بخاطر دارند که در دو جلسه قبل نامه دولت راجع باستیضاح خوانده شد جناب آقای رئیس فرمودند که پس از انتخاب هیئت رئیسه شروع باستیضاح خواهد شد (نمایندگان - صحیح است) جلسه گذشته اکثریت حاصل نشد و ما هم میدانیم که چه کسانی دستور داده بودند که اکثریت حاصل نشود (همهمه نمایندگان) این جلسه جناب آقای ریاست بین وعده فرمودند که بایستی کمیسیونها

انتخاب شود چون ما منظورمان این نیست که باعث وقفه کار مجلس بشویم موافقت میکنم که کمیسیونها انتخاب شود ولی این عراضی که بنده میکنم برای اتخاذ سند است که اگر پس از انتخاب کمیسیونها جلسه از اکثریت افتاد استیضاح مطرح نشد آنوقت همه میدانند که منظور این است که اکثریت نشود و استیضاح مطرح نشود آنوقت من مجبور خواهم شد این کسانی را که دستور میدهند اکثریت نشود معرفی کنم

کشاورز صدر - آقای کمیسیون دستور ندهد

۲- انتخاب کمیسیونها و تصویب

صورت جلسه اسبق

نایب رئیس - البته آقایان تصدیق بفرمائید که کارهای مجلس مقدم بر کارهای دیگر است ماده ۱۵ میگوید پس از انتخاب هیئت رئیسه کمیسیونها باید انتخاب بشود این است که امروز محققاً روز استیضاح است و باید استیضاح بشود ولی همینطور که ایشان فرمودند بدو شروع می کنیم بانتخاب کمیسیونها و پس از انتخاب کمیسیونها بلافاصله استیضاح شروع میشود. قرعه کشیده میشود برای نظارت در انتخاب کمیسیونها (اقتراح بعمل آمد و آقایان زیر برای نظارت معین شدند)

آقای شریعت زاده - آقای مکی - آقای یدین اسفندیاری - آقای امیر تیمور - آقای ابوالحسن صادقی

نایب رئیس - يك نفر از منشی ها هم آقای صدرزاده از طرف هیئت رئیسه انتخاب میشود. شروع میشود باخذ رأی برای کمیسیون نوابین دارائی عده اعضاء کمیسیون ۱۸ نفر عده حاضر ۸۲ نفر (اخذ آراء بعمل آمد)

بنوسد که بموجب قانون توقیف لازم باشد
عباس مسعودی - آرزو شنبه بودو جز
این دوروزنامه روزنامه دیگری منتشر نمیشد درروز
های شنبه.

مشی - درست است ولی در موقع اعلان
حکومت نظامی هنوز روزنامه منتشر نشده بودند که
مندرجات آنها برخلاف باشد و توقیف شوند قبل از
انتشار توقیف شدند روزنامه‌های دیگر قبل از صبح
۱۶ بهمن ماه نمیتوانستند انتشار یابند این تذکر
جناب عالی آقای مسعودی تأیید عرض بنده بود تشکر
میکند در این صورت آقای وزیر جنک باید توضیح
دهند که ایشان طبق چه مجوزی و دلایلی و قانونی ۱۶
روزنامه صبح را که مبیایستی روز ۱۶ بهمن منتشر
میشدند از انتشار منع و توقیف وعده از مدیران آنها
رانیز حبس نموده اند اگر استناد آقای وزیر جنک به
ماده ۸ قانون حکومت نظامی میباشد این قانون صریحاً
میکوید اگر روزنامه ها و مطبوعات برضد اقدامات
دولت انتشاراتی بطبع رسانند ، این عبارت صریح
میرساند که باید روزنامه انتشار یابد و بعد اگر در
روز نامه برضد اقدامات دولت انتشاراتی بطبع
رسیده باشد آن روزنامه توقیف خواهد شد در صورتی
که در آن روزنامه انتشار یافته بعد از اعلان حکومت
نظامی تحریکی هم بضدیت دولت شده باشد متصدیان
یا مدیران آنها توقیف و مجازات میشوند . ما میل
داریم ملت ایران بدانند که ایا در ایران قاصص قبل از
جنایت میشود مگر آنکه دولت بگوید بخیر قاصص قبل از
جنایت نکرده ام بلکه قانون حکومت نظامی را
عطف بمسابق نموده ایم در این مورد لازم میآید دولت
اولاً بدانند بموجب اصل وضع قوانین جزائی هیچوقت
قوانین جزا را نمیتوان عطف بمسابق نمود و حتی در
قوانین عادی حقوقی نیز این اصل محترم شناخته شده
و ثانیاً آقای وزیر جنک باید سبب و دلیل و جهت
امکان و لزوم عطف دادن قانون حکومت نظامی را
نسبت باعمال و نوشته های قبل از حکومت نظامی
توضیح بدهند و به مجلس شورای ملی ایران و دنیای
متمدن و علمای حقوق بجهانند که فلسفه عدم عطف
قوانین بمسابق باطل و بوج است و دلایل ایشان
باید معتبر شناخته شود مخصوصاً آقای وزیر جنک
باید بدانند حق تصویب لایحه جدید مطبوعات از
طرف مجلس نیز نخواهد توانست با اقدامات مذکوره
از طرف ایشان صورت قانونی بدهد . این جانب
نماینده گان محترم مجلس شورای ملی را مخاطب قرار
داده میگویم وجدان ما صلاح مملکت ما احترام قسمی
که برای حفظ و احترام قانون اساسی خورده ایم بما
حکم کرد این استیضاح را بکنیم و چون ملت ایران
و بلکه دنیای متممن شاهد و ناظر لیاقت و کفایت و
شهامت ما ایرانیان در حفظ اصول خواهد بود شما
نیز در موقع رای دادن وجدان و صلاح خودتان را
در نظر بگیرید .

سرچشمه شاید گرفتن به بیل
چو پرشد شاید گرفتن به بیل
این بود متن استیضاحی که تقدیم مقام ریاست
کرده بودیم که در آن جلسه برای اولین مرتبه مقام
ریاست از قرائت آنهم جلوگیری کردند . بنده مراجع
بتوقیف جرایم و حبس و تبعید عده ای از مدیران

آنها که يك قسمتی از استیضاح است يك مختصری
میخواستم بسمع همکاران معترم برسانم و اتخاذ
سند بکنم از مذاکراتی که در سازمانهای مختلف
سازمان ملل متحد شده و احترامی که آنها برای آزادی
عقیده و آزادی گفتار و آزادی بیان داشتند روزی
حق آزادی مطبوعات ایران مورد تجاوز قرار گرفت
که بیش از هر موقع آزادی مطبوعات و آزادی
عقیده و فکر احتیاج داشتیم . يك روزی جلو جرایم
ما را گرفتند که موضوع نفت که مورد توجه تمام
ملت ایران است که مورد توجه تمام آقایان محترم بود
مردود توجه تمام طبقات بود ، در يك چنین موقعی جلو
مطبوعات را گرفتند که از حق اظهار نظر راجع بحق
غصب شده و ملت ایران جلو گیری کرده باشند . ماروزی
احتیاج آزادی مطبوعات داریم که موضوع بانك
شاهی که یکی از مسائل مهم اقتصادی اینکشور است
و مورد توجه و تقاضای ملت ایران بود که موضوع
بانك شاهی از این وضعی که اداره میشود جلو گیری
شود و بنفع ملت و اقتصاد کشور ایران حل بشود
و جرایم در اینموقع با صدای بلند حقوق از دست
رفته ملت ایران را درخواست میکردند . جلو آنها
را با سرنیزه حکومت نظامی گرفتند و مانع از این
شدند که صدای خودشان را بلند کنند در دوموضوع
نفت و بانك شاهی حقوق ملت ایران مورد تعدی و
تجاوز قرار گرفته بود چه خوب گفته (بای گلچین
توان بست ولی نای مرغان چمن میندند) در همان
هنگامی که جرایم و ملت ایران راجع باین دو موضوع
حیاتی صدای خودشان را بلند کرده بودند همه را
خفه کردند و تصویب نامه ای هم راجع بانك شاهی
گذرانندند . بنده مقایسه میکنم حکومت نظامی امروز
را با حکومت نظامی که در دوره پنجم و ششم در
ایران بوده شاهد زندهای که برای ادعای خودم دارم
جرایمی است که در سال ۱۳۰۲ و سه و چهار و پنج
و شش در تهران منتشر میشده این جرایم در کتابخانه
مجلس شورای ملی ، در کتابخانه ملی همه شان حاضر
و موجود است . مطالبی را که آرزو در جرایم
مینوشته با اینکه ایران در يك تحول عظیمی بود
که تغییر رژیم و تغییر سلطنت صورت میگرفت بمراتب
آزادتر و صریحتر از امروز چیز مینوشته و اینطور
حکومت نظامی با آنها رفتار نمیکرد و در مورد
هیچ روزنامه ای قانون را عطف بمسابق نکردند .
خوب بخاطر دارم که در سال ۱۳۰۲ که ترضیاتی بر
ارباب جرایم وارد شده بود در روزنامه طوفان نوشته
بود از یکطرفی مجلس شیک و تشنگ از یکطرفی
عرصه بملیون تنک . قانون حکومت نظامی و فشار
اینست حکومت شتر گاو پلنگ . این رباعی را نوشت
و روزنامه اش هم توقیف نشد اگر امروز يك روزنامه ای
توانست این رباعی را بنویسد زبانش را با سرنیزه از
پس گردنش در میاورند . این فرق حکومت نظامی
امروز با آرزو است (دکتر بقائی - همه چیز ما
ترقی کرده چون قرن ام است) (همانطوریکه
همکار معترم فرمودند سه چیز ترقی کرده است ،
قرن ام است ، فشار هم ترقی کرده است ولی فشار
را تا يك حدودی میتوانند تحمل کنند از آن حدود
که گذشت فشار تولید انفجار میکند . ملت و مردم
تا يك حدودی تحمل فشار را دارند از آن حدود که

گذشت بموجب اصول و فلسفه انقلاباتی که در دنیا
شده تراکم مظالم انقلاب موجود میآورد و برای
جلو گیری از يك چنین انقلاباتی است که توجه دولت
ها را جلب میکنیم که یك قدری بر دم فشار کمتر
وارد کنند تا بتوانیم بلکه این آزادی و استقلال مان
را حفظ کنیم البته آزادی که نداریم مستر ما کنیل
یکی از وزرای کابینه انگلستان است ، يك نظمی
راجع آزادی گفتار بدون بیم و هراس در
کنفرانس آزادی و تبادل اطلاعات ملل
متفق ایراد کرد که بنده يك قسمتهایش را برای
توجه همکاران محترم خودم قرائت میکنم . قطعاً
آقایانی که در سازمان ملل متفق بودند این شخص
را میشناسند و کنفرانسهایش را بدشنیده اند ، میگوید
که ما نتوانستیم این حقیقت مسلم تاریخی را که فشار
بر عقاید نمیتواند موجب اختناق افکار شود و هرگز
از بین بردن وسایل تبلیغات کسانیکه عقایدی مخالف
مادارند نمیتواند از نفوذ آن عقیده جلو گیری نماید
بخالفین خود بفهمانیم هیچ فکری را در دنیا نمیتوان
بازور محو و نابود نمود . ممکن است فکر غلطی
در مقابل يك فکر صحیح دیگر از بین برود ولی این
کار در صورتی میسر است که آزادی عقاید محفوظ
ماند و اجازه داده شود که افکار مخالف در معرض
انتقاد قرار گیرد همه میدانند که روزنامه فرمایشی
روزنامه بدی است سرپوش نهادن بر حقایق خطرناک
است همیشه حقیقت از پشت پرده خود را نشان میدهد
خورشید حقیقت را نمیتوان با ابر مصنوعی تبلیغات
نهان نمود ماهی همیشه حمله بر اساس حکومت و بخطر
انداختن موقعیت دولت را برساند مطبوعات و افخه
کردن عقاید ترجیح میدهم مهمتر از همه اینکه با
وجود اینکه در کشور های دموکراتیک حدود مجازات
برای تجاوز از قوانین مطبوعات در کار است هرگز
دولت نمیتواند که جرم را تشخیص داده و با مجازات
را معین نماید زیرا در این کشور ها تشخیص جرم و
تعین مجازات خاطی بحکم آزاد و مستقل بر طبق
قانونی که نمایندگان پارلمان آزادانه تعیین نموده اند
رفتار میکند . به آزادانه تعیین نموده اند رفتار
میکند ارجاع گردیده است بیست و چهار سال پیش
دولت فاشیستی ایتالیا قانونی گذرانند که بر طبق آن
مدیر مسئول روزنامه باید از طرف اداره هر شهرستان
برسیت شناخته شود شورای شهرستان حق دارد
که در مواردیکه روزنامه برخلاف سیاست دولت چیزی
مینویسد و یا موجب سر افکنندگی دولت نزد دول
خارجی میشود و یا نظم عمومی را مختل کرده و بر
حیثیت ملی خدشه وارد آورد اختطاری بندیر مسئول
روزنامه بفرستد و بعداً نیز میتواند از مدیر روزنامه
سلب امتیاز نماید دقت کنید که تشخیص جرم و تعیین
مجازات در عرض اینکه بقضات حا که مستقل و گذار
شود بمهده محاکم محلی که در تحت فرمان وزیر کشور است
گذاشته شده و بالتبعیجه دولت میتواند هر روزنامه ای
که برخلاف مصلحت دولت مقاله بنویسد توقیف نماید
طبیعه اجرای این قانون موجب سلب آزادی روزنامه های
ایتالیا شد و تجدید این قبیل روشها در نظر دولت
پادشاهی انگلستان برخلاف منشور ملل متفق است
مسعودی - اینها بما چه مربوط است ؟
مکی - متأسفانه روزنامه اطلاعات این چیزها را
نمینویسد

مسعودی - بما مربوط نیست
مکی - خوب بود من قبلاً از جناب عالی دستور
میکرفتم که چه عرض بکنم حقیقت اینستکه مردم اروپای
غربی و کشورهاییکه تمدن اروپا را اتخاذ نموده اند
معتقدند که هیچ فکر و عقیده ای خطا ناپذیر نیست
مامعتقدیم که اشخاص نیز دارای هر عقیده ای که باشند
قابل احترام میباشند ماجداً با این فکر که فرادهمیتی
ندارد و افراد در مقابل قانون نامساوی هستند فرد
در مقابل دولت بچیزی شمرده نمیشود و ممکن است
در راه مقاصد عالی دولت افراد را زندانی نمود و
بهلاکت رسانید مخالفت تمام داریم و بهیچوجه قبول
نمیکنیم که نظریه دولت باید از هر نوع انتقاد مصون
باشد بنده خودم روز ۲۴ و ۲۵ بهمن بود که در یکی
از روزنامه ها نشسته بودم يك پاسبان باتفاق يك
سرباز وارد شد و گفت بمن دستور دادند که بشما ابلاغ
کنم راجع بقتل محمد مسعود که شب سال اوست
چیزی بنویس روزنامه را توقیف میکنیم من خیلی
تعجب میکنم اگر يك روزنامه نویسی که سال گذشته
که آطور جرایم برایش سرو صدا راه انداختند او
را تهدیدش کردند حکومت نظامی چرا باید بفرستد
با روزنامه که اگر راجع باین موضوع چیزی بنویسد
ماروزنامه را توقیف میکنم که این خودش برای بنده
يك معنائی بود الان خیلی چیز هست که مورد
توجه مردم است مورد اعتراض مردم است و هیچ
روزنامه ای نیست که بنویسد چرا مثلا باید در يك
چنین موقعی گوشت قیمتش باین گزافی باشد در د کانهای
نانوائی چرا اینقدر شلوغ باشد (صاحب جمع - آقای
مکی نان فراوان است)
بنده خودم میدانم شما که نان نمیخردید در يك موقعی
که میخواستند راجع بمجلس متفرض مؤسسان چیز بنویسند
(کشورز صدر - همه در روزنامه ها نوشتند و تعریف
کردند) همین دلیل است بر اینکه عقیده مخالفین
که نوشته نشده آزادی بوده است اگر آزادی وجود
داشت اقلاً يك مخالف پیدا میشد (صحیح است) معلوم
میشود که این تعریفها فرمایشی بوده است
عباس مسعودی - شما بنویسد بنده چاپ میکنم
دکتر بقائی - چرا نامه مراجع نکرید ؟
مکی - شما خوب بود متن استیضاح را بنده چاپ
میفروید (زنک رئیس)
حائری زاده - مطبعه مجلس را نبگذارند که
نامه بکنفر نماینده را چاپ کند .
مکی - این مطبعه مجلس را ایجاد کردند که
اگر يك روزی سالار الدوله شجاع الدوله خواست
حکومت ملی ایران را تهدید بکنند بتوانند افکارشان را
در مجلس شورای ملی بدون ترس از سرنیزه حکومت
نظامی بچاپ برسانند حتی این مطبعه مجلس را هم
نمیگذارند چاپ بکنند نامه بکنفر و کیلی را که میشود
گفت افتخار ایران است استاد دانشگاه است بواسطه
اینکه این شخص آزادی نداشته است و تا مینداشته است
یکماه و خرده ای است که در مجلس متعصن است و
چاپخانه مجلس نامه او را چاپ نمیکند آزادی نیست .
حاذقی - آزادی هست .
دکتر بقائی - چرا بخود میگوید چرا حقیقت را
نمیگوید چرا چشمتان را هم میگذارید چرا اصول
محترم را حفظ نمیکند .

نایب رئیس - آقای مکی فرمائید .
مکی - الان جرایم راجع بخیلی از بدبختیها
و ابتلائات مردم میخواهند چیز بنویسند ولی آزاد
نیستند الان روغن یکمن ۵۰ تومان است يك کارمندی
که ماهی صد تومان حقوق میگردد چطور میتواند
دوسیرو نیم گوشت و يك چارک برنج و يك سیر و روغن
تهیه بکنند شما باید فکر آسایش آن بدبخت را بکنید
باید فکر آن طبقه بدبخت را بکنیم که وقتی که آن
افراد نا یاکی که در دستگاههای دولتی هستند
فهمیدند که جرایم و مطبوعات زبان انتقاد
آنها را بریده اند خون این ملت را بشیشه میکنند
کما اینکه دارند بشیشه میکنند يك دسته ای تصور
میکند که وقتی دنیارویجنک برود یعنی ملل آزادیشان
رواستبداد خواهد رفت خیر تجربه نشان میدهد که
بعد از هر جنگی ملل آزادی پیدا کرده اند اگر
دنیا هم بطرف جنک برود سرانجامش آزادی است .
چنان نماند و چنین نژم نخواهد ماند . پریرودریکی
از چاپخانه ها بنده بودم يك کسی کانید انتخاباتی
داده بود که فلان شخص را انتخاب کنید از طرف
حکومت نظامی فرستاده اند بنالشان بردن از اش التزام
گرفته اند که چرا اینکار را کرده ای ؟ نباید این
کار را بکنید . (باتمانلیج - همچو چیزی نیست)
هست ، همینطور است از چاپخانه موسوی التزام
گرفته اند که چرا شما بنام فلان کانید اعلان کردید ؟
گفته است که آقا شما بنام کی میگویند نکنم ؟ گفته اند
التزام بدهید دیگر از این کار ها نکنید گفته است
برای همه یا برای يك عده مخصوصی ؟ پس يك اشخاصی
را معرفی کنید . خوب چاپخانه ها هم آزاد است
منتهی آزادی همین است که در اینجا يك دسته ای
میگویند آزادی حقیقی وجود ندارد الان بد ترین
ادواری است که تاریخ نشان میدهد بعد از مشروطیت
ما دچار هستیم که بطور کلی آزادی فردی و اجتماعی
را از همه سلب کرده اند (صفوی - واقعه یازدهم
بهمن برای همین آزادی بوده است) واقعه یازدهم
بهمن را که شما میفرمائید يك دیوانه نمی یك کاری
کرده است باید انتقامش را ملت ایران بدهد ؟
(صفوی - همان آزادی بود که واقعه ۱۵ بهمن اتفاق
افتاد) اگر دیوانه نمی یك کاری کرد باید بر علیه
ملت کود تا بکنند ؟ (بعین اسفندیاری - دیوانه نبود
آقا) انتقامش را باید از ملت ایران بگیرند ؟ (صفوی -
اگر خدای نکرده اتفاقی افتاده بوده شما بودید
نه ما میخواستند چه بسر این مملکت بیاورند ؟ خدا
نخواست) اگر يك دیوانه نمی یك کاری کرده است
باید انتقامش را از ملت ایران بگیرند ؟ (بعین اسفندیاری
- آقای مکی دیوانه نبود) بنده هم آقای صفوی با
شما موافق بنده عرض میکنم يك دیوانه ای يك کاری
کرده چرا ؟ باید انتقامش را از ملت بگیرند
(بعین اسفندیاری - آقای مکی دیوانه نبود) (همه
نماینده گان) (صفوی - خدا نخواست ، خدای ایران
نخواست که اتفاقی بیفتد) اگر بفرض مجال يك اقلیتی
بودند باید اکثریت ملت ایران را شکنجه داد ؟
(همه) (نماینده گان)
نایب رئیس - آقای شریعت زاده اجازه
خواسته اند صحبت کنند اگر خود دولت جواب میدهد
که خیر . آقای شریعت زاده .

شریعت زاده - آقایانی که استیضاح
کرده اند توضیحات خود را در موارد استیضاح
میدهند تا بعداً جواب داده شود
نمایندگان . صحیح است .
نایب رئیس - دولت هم موافق است ، آقای
دکتر بقائی .
دکتر بقائی - بنده در موقعی که دولت را
استیضاح کردم فکر میکردم آرزو داشتم که دولت
قبل از خاتمه اسفندماه و قبل از شروع باین عمل خلاف
قانونی که دست زده بود برای جواب استیضاح حاضر شود
(نماینده گان - خلاف قانونی نیست آقا) (زنک رئیس)
ولی متأسفانه دولت برای جواب حاضر نشد من برای
اینکه وظیفه خود را انجام داده باشم ، در همین
مجلس يك عریضه سر بسته ای به پیشگاه اعلیحضرت
همایونی تقدیم کردم ولی چون دیدم که ترتیب اثری
بآن عریضه بنده داده نشد در تاریخ ۵ فروردین ماه
یعنی یکروز قبل از شروع انتخابات مجلس مؤسسان
يك عریضه سر گشاده ای به پیشگاه اعلیحضرت تقدیم
کردم البته آقایان میدانند که عریضه سر گشاده در
همه جای دنیا معنیش این است که يك عریضه است
که در جرایم منتشر میشود باین وسیله ای باطلاع
مردم میرسد . در جرائم ، بنده البته فرستادم برای
بعضی از جرائد کثیر الا انتشار ولی میلشان نبود طبع
کنند و من ایسارای ندارم همان طوریکه من آزاد
که مقاله بنویسم همانطور هم آنها میتوانند که چاپ
نکنند (محمد علی مسعودی - صحیح است آقا صحیح
است) ولی بنده خواستم این نامه را بخرج خودم در
چاپخانه های تهران چاپ کنم مراجعه کردم بچاپخانه
های مختلفه گفتند که از ما التزام گرفته اند بدون
اجازه شهربانی هیچ چیزی چاپ نکنیم بنده در تاریخ
همان پنجم فروردین یک نامه ای بداره شهربانی
نوشتم و يك نسخه از آن عریضه خودم را فرستادم و
تقاضا کردم دستور بدهند که اجازه طبع این عریضه
صادر بشود جوابی نرسید در تاریخ ۱۲ فروردین
مجدداً یک نامه ای بشهربانی نوشتم در تعقیب آن نامه
اولیه بآن هم جوابی داده نشد . روز ۱۴ فروردین
در مجلس این موضوع را مطرح کردم و جناب آقای
رئیس مجلس فرمودند که ما نمی نماند چاپخانه مجلس
چاپ میکند منم خوشوقت شدم مراجعه کردم بچاپخانه
مجلس آنها هم حروفها را چیدند ، طبق این دلیل
(اشاره بورقه ای که در دست داشتند) این در چاپخانه
مجلس بطبع رسیده سه نسخه برای من آوردند که
غلط گیری کردم و تصحیح کردم تا نسخه آخر را که
تمام معانی رفع شده بود امضاء کردم در آخر روز
سه شنبه گذشته فرستادم بچاپخانه صبح چهار شنبه
منتظر بودم که چاپ بشود و برای من بیاورند صبح
چهارشنبه دیدم خبری نشد مراجعه کردم بآن مصدق
چاپ گفت که زنباد که کمانندش را بنویسد بزیر مراجعه
کردم گفت رئیس چاپخانه باید اجازه بدهد به
رئیس چاپ خانه مراجعه کردم او چیز دیگری
گفت بالاخره بمقام ریاست مجلس بنده مراجعه
کردم ایشان فرمودند که رئیس چاپخانه
با من صحبت بکنند من دستور را میدهم بعد از
ظهر روز چهار شنبه زقم رئیس چاپخانه را وادار
کردم در حضور خود بنده تلفن کرد و خدمت آقای
رئیس و ایشان يك صحبتهایی کردند که البته من آن صحبتها

را نشیند رئیس جایگاه بن گفت که ما برای فردا صبح پنجشنبه اول وقت از این ۵۰۰ نسخه چاپ میکنیم و میفرستیم خدمت آقای رئیس منم مقصود این بود که این چاپ و منتشر بشود قبول مردم صبح روز پنجشنبه دیدم خبری نشد رفته امطاق آقای رئیس جایگاه پیش از آنکه آنجا بروم از یکی از اعضاء پرسیدم که آقای رئیس جایگاه آمده است؟ گفتند بله الان آقای رئیس مجلس توی باغ داشتند صحبت میکردند بنده رفتم پیش آقای رئیس جایگاه آن متصدی چاپ هم آنجا بود گفتم چرا چاپ نمیکند گفت میخواستم بیرون که قطعش چطور باشد؟ گفتم آقا من برای قطعش نظری ندارم برای کاغذش هم هیچ نظری ندارم مقصود این است که چاپ بشود آقای رئیس جایگاه گفتند شما که چند روز صبر کرده اید این چند روز صبر کنید تا روز شنبه گفتم آقا این يك امری است فوری نمیشود بیشتر از این صبر کنم گفت من باید آقای رئیس مجلس را ببینم و صحبت کنم گفتم دیگر کلاه سرم نگذار تو که صبح میکردی بالاخره دیدم این مرد بیچاره با يك زبان بی زبانی بن حالی کرد که نمیتواند چاپ کند منم دیدم که او مأمور است و المأمور معذور بنابراین روز پنجشنبه اول صبح آمدم خدمت آقای رئیس مجلس و ایشان را در سرسرا دیدم گفتند که بله رئیس جایگاه میگوید باید کارپردازها اجازه دستور بدهند گفتم آقا این يك چیز تازه ای نیست من يك نماینده مجلس هستم رسماً برداشته ام نوشته ام بجایگاه که اینها را سه هزار نسخه چاپ کنید مخارجش را من خودم میدهم من که چیزی نخواستم از کسی که کارپردازها اجازه بدهند. ایشان گفتند که در جلسه پنجشنبه کارپردازها تشریف داشتند (مهندس هدایت - آقای دکتر عوض این حرفها بخوانید) میخوانم این مقدمه لازم است، اصل کار همین حرفها است. (حائری زاده - آزادی را باید تشریح کنند که چه جور آزادی در این مملکت است) عرض کنم در جلسه پنجشنبه بنده در همین مجلس اتخاذ سند کردم و بجانب آقای رئیس یادآوری کردم و آقایان کارپردازها که بهمه شان ارادت دارم تذکره دادم دستور بدهند، این کار نشد. پنجشنبه نشد، جمعه نشد، شنبه نشد، یکشنبه نشد، دوشنبه نشد، در روز بنده تلفن کردم آقای رئیس این را هم فراموش کردم خدمت آقایان عرض کنم که بنده مذاکره میکردم با آقای رئیس ایشان فرمودند خوب شما که پس فردا دولت را استیضاح میکنید این نامه را هم بخوانید چاپ میشود گفتم آقایان برای استیضاح این نامه را نوشته ام من آنان مبینم یکی از مقدس ترین اصول قانون اساسی زیر پا گذاشته شده که آن انتشار افکار و عقاید است میخوانم عرض کنم و چون این مطبوعه مجلس آن روزیکه تأسیس شد برای يك همچو روزی بود که اگر جاهای دیگر نتوانستند و جرات نکردند لاقلاً اینجا چاپ کنند من میخوانم برای رعایت این اصل این را بخرم خودم چاپ کنم، آقایان میدانند که من بودجه زیادی ندارم و از اینجور و لخرجهام نمیتوانم بکنم ولی برای اینکه این اصل را رعایت کرده باشم و بکوری چشم آن کسانی که اجازه نمیدهند در جایگاه های دیگر يك چنین عریضه ای که الان برای آقایان قرائت خواهم

کرد چاپ شود در مطبوعه مجلس چاپ بشود تا در روز که گفتند هیئت رئیسه است بنده تلفن کردم خدمت جناب آقای رئیس.. (آقا این بلندگو اگر درست نمیشود بگوئید خاموشش کنند) (امیر تیمور - این بلندگو نیست بلای جان است) (خنده نمایندگان) در روز تلفن کردم خدمت جناب آقای رئیس فرمودند. آنان هیئت رئیسه است و همین موضوع مطرح است من گفتم خواهش میکنم دستور بفرمائید امروز چاپ بشود در جایگاه هم کاری ندارد برای اینکه حروفش چیده شده آقایان ملاحظه میفرمائید حروفش چیده شده الان در جایگاه حاضر است بعد بر رئیس جایگاه هم تلفن کردم که تو هم اقدام کن که اجازه اش را بگیری در روز خبری نشد چون جایگاه تاسه بعد از ظهر کار میکند و اگر کار کرده بودند تمام شده بود امروز مراجعه کردم بچند نفر از دوستان محترم گفتند که آقا در هیئت رئیسه مطرح شده و گفته اند خوب جزو استیضاح است و گفته میشود بعد در روزنامه رسمی چاپ میشود در صورتی که من تصریح کرده بودم (در سرسرای مجلس بعضی از آقایان هم حضور داشتند که من عرض کردم) میخوانم این را چاپ کنم برای حفظ يك اصل قانون اساسی و هیئت رئیسه جرات نکردند که دستور بدهند جایگاه مجلس چاپ بکند (فولادوند - آقای دکتر بقائی در هیئت رئیسه گفتم چاپ کنند) گفتم حرف است چاپ نکردند (فولادوند - همان که دست شما است جایگاه مجلس چاپ کرده) بلی بعد دستور دادند که منتشر نکنند. عین نامه سرگشاده را حالا قرائت میکنم: اعلیحضرتا - در این لحظه تاریخی که ملت ایران در آستان يك تحول اجتماعی و سیاسی قرار گرفته در این موقع باریک که کوچکترین لغزشی ما را به پرتگاه نیستی میکشاند و بر عکس يك جو همت و فداکاری ممکن است بصراط مستقیم هدایت نماید. در این لحظه خطیر که مقامات مسئول و بزرگان و مشایخ قوم را خواب خرگوشی فرا گرفته و یا اینکه خدای نخواست عالمات و عامداتن بقضا داده اند پس از مطالعه دقیق اوضاع و مشاهده مقدمات خواب ناروائی که برای این ملت ستم کشیده دیده اند از لحاظ وظیفه ملی و وجدانی بر خود لازم و واجب شمردم راه مبارزه با روش خلاف آزادی و ناشایسته که ملت ایران را تهدید میکند در پیش گرفته از اصول مقدس آزادی و عدالت دفاع نمایم و باین جهت از ارواح مقدس تمام شهدای آزادی که نم بزرگوام نیز در بین آنها میباشد الهام گرفته و با قلب و عزم راسخ مصمم شدم در این طریق قدم گذارم و بدینای بزرگ ثابت کنم که ملت ایران هنوز نمرده و يك نفر از کوچکترین افراد آن قادر است ندای حق و آزادی را در در این هنگام که روش تحریم آزادی و تضییق عدالت در کشور حکمفرما است با کمال از خود گذشتگی و شجاعت بگوش ملت ایران و جهانیان برسانم. این بود که روز جمعه ۱۳ اسفند ماه ۳۲۷ طی يك سخنرانی تودیمی در کرمان پرده هارا بالا زد و حقایق و دانستهها را به مشربها و موکلین خود اعلام داشتم و از همان جا باین رویه حق کشی و بیعدالتی اعلان جنگ داده و فوراً به پایتخت عزیمت نمودم به محض ورود بطهران خواستم بیلا ترین مظهر ایرانیت پناه برده و به نمایندگی از طرف ملت

درد دلای خود را با شاهنشاه در میان گذارم همچنانکه در این مدت دو سال نمایندگی بکرات افتخار تشریف حاصل کرده و همواره با ذات مبارک ملوکانه درباره اصلاح مفاسد صلاح جوئی و چاره اندیشی کرده بودیم و باتکالی الطاف بیکران ملوکانه و مراحم خاصی که حضوراً و غایباً از طرف آن ذات مقدس نسبت فراموش نشدنی در ضمیر حقیر باقی گذارده بود یقین داشتم با عرض داشت حقایقی به پیشگاه ملوکانه فوراً این جریان نا پسندیده و ناروا متوقف خواهد شد ولی برخلاف رخصت تشریف به پیشگاه ملوکانه نیاقتم لذا بر آن شدم بوسیله استیضاح از دولت نتیجه افکار و اعتراضات خود را بر عرض ملت ایران و باستحضار جهانیان برسانم چون دولت را در این باره مسامح دیدم در جلسه پنجشنبه ۲۶ ۱۲ ۲۷ عریضه سر بسته ای بوسیله مقام ریاست مجلس به پیشگاه ملوکانه تقدیم داشتم و در آن عریضه با خضوع و فروتنی و از روی صفای قلب و حسن عقیدت و کمال ایمان طی اشاراتی خاطر خطیر شاهنشاه را بوخامت اوضاع و نا گواری جریانات و عواقب وخیم تصمیمات متوجه و متنبه ساختم. با این که عریضه مذکور همان روز بدفتر خصوصی شاهنشاهی تقدیم شد طبق اطلاع صحیح تا صبح شنبه ۲۸ ۱۲ ۲۷ هنوز بشرف عرض نرسیده بود و بعد از آن را هم اطلاع ندارم اینک در این دقائق بحرانی واضطراب انگیز که انتخابات تشریفاتی و فرمایشی مجلس مؤسسان یعنی مرکز نقل اعتراضات حقیر در شرف اجرا میباشد از لحاظ وظیفه ملی و شهادوستی خود را ناگزیر می بینم قبل از تاریخ ششم فروردین که برای شروع انتخابات در نظر گرفته شده بوسیله این عریضه سرگشاده باستان اعلیحضرت همایونی خطر عظیم رژیم آزادی کشی و بیعدالتی را بملت ایران و بجهانیان متمن و بکلیه عناصر شریفی که در اطراف و اکناف دنیا علاقه و ایمان با اصول آزادی و دمکراسی دارند خاطر نشان ساخته و اعلام نمایم بر ملتی که همواره بر خود مینالد که از قافله تمدن فرستگها عقب افتاده درخ و افسوس است که در يك رژیم تحریم و تعطیل مطبوعات که زبان ملت و یکی از ارکان مشروطیت است زندگی کند درخ و افسوس است که عدالت و دادرسی بدست دادگاههای نظامی فرمایشی سیرده شود و بدین طریق متهمین از موهبت حق دفاع از خود که اصل و ریشه حقیقی دادگستری میباشد محروم باشند. درخ و افسوس است که طرحها و تصویب نامه ها و لوایح با شتابزدگی و بدون مآل اندیشی و بدون در نظر گرفتن رعایت حقوق و رفاه ملت تصویب و بمرحله عمل در آید. درخ و افسوس است که اعتبارات دولت بمنظور های خاصی و منافع شخصی و رشوه دادن ب عوامل دیکتاتوری صرف شود... (همه مه نمایندگان)

صفوی - اینطور نیست.

دکتر بقائی - این را بنده نوشته ام بعد تشریف یارید جواب بدهید. اعلیحضرتا مداخلات بیرویه مقامات نظامی در امور کشوری و سیاسی... (همه مه نمایندگان)

باتماقلیچ - مقامات نظامی هیچگونه مداخله ای ندارند.

نایب رئیس - بگذارید صحبتشان را بکنند بعد آقای شریعت زاده میآیند جواب میدهند.

صفوی - مقامات نظامی مداخله ای ندارند

دکتر بقائی - این نامه نوشته شده بگذارید من بخوانم حالا میخوانم فریاد بزید من حوصله دارم. از ازل تا به ابد فرصت درویشان است. اعلیحضرتا، مداخلات بیرویه مقامات نظامی در امور کشوری و سیاسی... (همه مه نمایندگان)

باتماقلیچ - اینطور نیست آقا.

مکی - اینطور هست.

امامی اهری - آقای دکتر بقائی اکثریت مجلس برخلاف این عقیده دارد.

دکتر بقائی - این نامه چه من بخوانم وجه نخوانم منتشر شده و من میخوانم ثابت کنم که این جا هم نمیکذارند من بخوانم، من قبول دارم که اکثریت عقیده اش خلاف این است ولی من اقلیت هستم و باید بتوانم عقیده خود را بگویم...

عبدالرحمن فرامرزی - صحیح است آقا بفرمائید.

امیر تیمور - بفرمائید آقا.

دکتر بقائی - اعلیحضرتا، مداخلات بیرویه مقامات نظامی در امور کشوری و سیاسی همواره به نتایج شوم و نامطلوبی انجامیده است. استدعا دارم با دقت بیشتری تاریخ حکومتهای دیکتاتوری آسیایا و لهستان و ایتالیا و آلمان را مطالعه فرموده و مخصوصاً بتاریخ معاصر ایران بدون پیرایه و شاخ و برگ توجه بفرمائید. اعلیحضرتا یقین دارم بر خاطر خطیر ملوکانه پوشیده است که این تلکرافات و تقاضا های مربوط به مجلس مؤسسان همه تصنعی و دستوری است.... (همه مه نمایندگان)

عباسی - خیر اینطور نیست.

دهقان - شما رای دادید.

باتماقلیچ - اینطور نیست.

حائری زاده - شما چکاره هستید که نظم مجلس را مختل میکنید باید رئیس مجلس نظم مجلس را اداره کند

نایب رئیس - آقای باتماقلیچ نظم مجلس را مراعات بفرمائید.

دکتر بقائی - من مجبورم که جمله را از سر بگیرم.

اعلیحضرتا یقین دارم بر خاطر خطیر ملوکانه پوشیده است که این تلکرافات و تقاضا های مربوط به مجلس مؤسسان همه تصنعی و دستوری است و این تحصن های ساختگی همه بتوصیه مقامات رسمی خاصه مقامات نظامی صورت میگردد و یقین دارم که نحوه عمل ایشان با منوابع مقدس ملوکانه وفق نمیدهد. اعلیحضرتا می بینم که اولیای دولت و مقامات نظامی در اعمال و رفتار خود و در اجرای حق و عدالت جانب اصول و نکاتی را که اعلامیه حقوق بشر بدان اشاره کرده است مرعی و منظور نمیدارند و میترسم که خدای نا کرده این چنین رفتار و این گونه بی اعتنائی با اصول مسلمی که در تمام دنیای متبئن جاری است خدشه بجهتیت ذات مقدس ملوکانه که در دلای مردم این کشور جای خود را بخوبی باز کرده بود وارد بیاورد و میترسم که افکار و عقاید عمومی دنیا که شاهد و ناظر روش و رفتار مخالف قانون و عدالت اولیاء دولت هستند ملت

ایران را بعنوان يك ملت عقب افتاده و ملتی کدورتاز مواهب دموکراسی و عدالت اجتماعی زیست میکند تلقی نماید از هم اکنون این ترس و نگرانی مورد بارز و محققى پیدا کرده است....

کشاورز صدر - آقای دکتر بقائی شما حرفهای غلام یحیی را نزنید.

دکتر بقائی - تا آخرش گوش بدهید آنوقت بفرمائید. زیرا بطور قطع یقین کلبه محافل آزادیخواه و دموکرات و کلیه خردمندان که در اطراف و اکناف دنیای متمن پای بند باصول عدالت و آزادی و حفظ شئون بشری هستند از جریان کارهای فعلی کشور ما بینهایت آشفته و متاثرند و اولین طلبه این تأثر و آشفتنگی نامه اعتراضیه بسیار شدیدی است که از طرف آقای رنه کاسن رئیس شورای دولتی فرانسه و رئیس انجمن بین المللی حقوق دانان دموکرات بدبیر خانه ملل متحد... (همه مه نمایندگان)

دهقان - بیخود نوشته چه حق داشته.

صفوی - چرا اجازه میدهید دیگران در کار ما مداخله کنند؟

دهقان - يك مشت وطن فروش را گرفته اند شما این حرف را میزنید، اینها بضرر کشور است

صفوی - مرحوم پدر شما مرد آزادیخواه و وطن پرستی بود نباید این کار را بکنید

یهمین اسفندیاری - آقای دکتر بقائی - شما قلم بالذات هستید این حرفها را نزنید.

باتماقلیچ - کاسن یکنفر یهودی کمونیست است. (زنک رئیس)

نایب رئیس - آقایان بگذارید صحبت کنند.

دکتر بقائی - و اولین طلبه این تأثر و آشفتنگی نامه اعتراضیه بسیار شدیدی است که از طرف آقای رنه کاسن رئیس شورای دولتی فرانسه...

باتماقلیچ - آقا رنه کاسن یکنفر یهودی کمونیست است.

مکی - خیر آقا اینطر نیست مخالف کمونیسم است.

دهقان - بیگانه است، هر که باشد برای ما بیگانه است چه حقی دارد مداخله کند.

کشاورز صدر - آقای دکتر بقائی این قسمت از نطق را پس بگیرد.

باتماقلیچ - استاد دانشگاه این حرفها را میزند جای تأسف است.

کشاورز صدر - غلط کرده نوشته، بیجا کرده نوشته.

دکتر بقائی - من خوشوقتم که آقایان اعتراض کنید چون من میخوانم ثابت کنم که در این مملکت آفتدر آزادی نیست که نامه ای را که یککفر و کیل نوشته که طبع بشود روزه روزنامهها نشر میدهند نه جایگاهها اجازه طبع دارند و نه جایگاه مجلس و نه در مجلس میگذارند که بعنوان يك نماینده اقلیت این نامه خوانده شود.

صفوی - نماینده اقلیت نباید اجازه بدهد دیگران مداخله کنند!

دکتر بقائی - بعد بیائید جواب بدهید من میدانم که این استیضاح من را توقیف میکنند، من خوشوقت بشوم که نگذارید من حرف بزنم تا ثابت شود که آزادی نیست.

یهمین اسفندیاری - شما که میگوئید اینجا آزادی نیست پس گجا آزادی هست؟ (زنک رئیس)

نایب رئیس - اجازه بدهید آقای دکتر بقائی بنده يك تذکره بدهم اینکه میگوئید آزادی نیست همین آزادی است که آقا در يك جمعاً خیلی ساکتی هر چه میخواهید بفرمائید، آقای مکی صحبت فرمودند شما هم صحبت میفرمائید البته يك چیزهایی که مورد اعتراض آقایان است اعتراض میفرمائید جناب عالی بصحبت خود ادامه بدهید.

عباس مسعودی - در هیچ کجای دنیا این اجازه را نمیدهند که شما این حرفها را بزنید.

دکتر بقائی - یعنی میفرمائید در انگلستان و امریکا هم.

عباس مسعودی - در هیچ کجای دنیا.

صفوی - شما دیگران را در کار ما مداخله ندهید ما مستقیم و دیگران حق ندارند در کار ما مداخله کنند.

دکتر بقائی - آقا که این حرفها را میزنید باور دارید؟

صفوی - بله من مبارزه میکنم کدیگران در کار ما مداخله نکنند.

دکتر بقائی - من کی گفتم که مداخله بکنند؟ من دارم تاریخش را میگویم، من دارم جریان گذشته را توصیف میکنم.

صفوی - تشخیص این چیزها باشانیت.

رحیمیان - آقا بگذارید صحبت کنند، بگذارید نامه خوانده شود.

نایب رئیس - بفرمائید آقای دکتر بقائی.

دکتر بقائی - اولین طلبه این تأثر و آشفتنگی نامه اعتراضیه بسیار شدیدی است که از طرف آقای رنه کاسن رئیس شورای دولتی فرانسه...

کشاورز صدر - آقا نخوانید منی مانم در جای که این مطالب خوانده میشود.

دهقان - چرا بیگانگان را دخالت میدهید؟

باتماقلیچ - نخوانید آقا. (در این موقع مجلس از اکثریت افتاد و پس از چند لحظه اکثریت حاصل شد.)

مهندس هدایت - بگذارید بخوانند آقا.

دکتر بقائی - جواب ندارند بدهند و الا میگذاشتند، و اولین طلبه این تأثر و آشفتنگی نامه اعتراضیه بسیار شدیدی است که از طرف آقای رنه کاسن رئیس شورای دولتی فرانسه و رئیس انجمن بین المللی حقوق دانان دموکرات بدبیر خانه سازمان ملل متحد راجع باوضاع ایران و تضییقات و دادرسی غیرقانونی ارباب مطبوعات و غیره نوشته شده و تسلیم گردیده است و هم چنین تلگراف معترضانه ای که به آقای نخست وزیر از طرف همان شخص مغایره شده و رونوشت این نامه و تلگراف بعنوان غده ای از نمایندگان مجلس شورایی ارسال گردیده و توسط

آقای مکی در جلسه سه شنبه ۲۴ اسفند بمقام ریاست مجلس تسلیم گردید و با کمال تأثر مجبورم توجه ذات مبارک شاهانه را باین نکته جلب کنم که این اعتراض موقعی شد که هنوز این معاذکم نظامی هويت خود را كاملا بروز نداده بودند و هنوز این جریان مقتضح و ننگ امیز تیره دونفر از روزنامه نویس ها در محکمه تجدید نظر و باره کردن حکم تیره و دستور تشکیل محکمه دیگری برای تجدید نظر بمنظور تشدید مجازات آنها بجای تیره و محکومیت مجدد آنها واقع نشده بود و یقین دارم که این جریانات را بعرض شاهنشاهی نمیرسانند ولی دنیا از این جریان مستحضر میشود و بما و طرز اجرای عدالت ماخنده میکند و مختصر آبروئی کدر اثر زحمات شاهنشاه فقید در دنیا کسب کرده بودیم بکلی از بین میرود. اعلیحضرتا،

کاراز تو میرود مددی ای دلیل راه کانصاف میدهم وزراء او فتاده ایم

حرفهای اطرافیان متعلق و مغرضین چابکوس را قبول نفرمائید و خاطر مبارک بهیچوجه آسوده نباشد بلکه همواره نگران و مضطرب باشد استدعا میکنم از مرور بتاریخ و توجه بهحقایق آن غفلت نفرمائید، روزی پدر بزرگوارم بحضور شاهنشاه فقید توضیح داده بود که چرخ تاریخ بعقب بر نمیگردد و در آن هنگام که ابتدای کار بود اعلیحضرت فقید عراض پدر بزرگوارم را از روی صفای ضمیر بسم قبول پذیرفته بودند ولی بعداً اطرافیان مغرض و بداندیش با زهر زبان و تریاک تملق حقایق را دگرگونه جلوه دادند و مردمان بیغرض و دودلتخواه را از دور شاهنشاه پراکنده و اعلیحضرت فقید را محاصره کردند، اورا از ملتش دور کردند و مهر اورا از دل ملت بیرون آوردند، بطوری که خود اعلیحضرت مسبوق هستند هنگامی که آن مرد بزرگ و خدمتگذار و وطن پرست اجباراً این کشور را ترک گفت کسی از آن جریان ناراضی نبود (صیحیح است) در حالیکه بیاس خدمات و زحمات آن شاهنشاه فقید در چنان موقعی میبایستی تمام ملت خون گریه کنند (صیحیح است) اعلیحضرت فقید موقعی متوجه این امر شدند که کاراز کار گذشته بود و این موضوع را بتصریح بلکه با فریاد در آخرین پیام بفرزند پرورمند تاجدار خود فرموده اند و استماع فرموده اید

اعلیحضرتا، روا مدارید همان اشخاصی که شاهنشاه فقید را احاطه کرده بودند و آنچه همه میدانیم همانها و دست پروردگانشان عمیات سابق خود را یکبار دیگر تکرار کنند اعلیحضرتا، ملت ایران هنوز شاهنشاه خود را دوست دارد ولی متأسفم بصراحت عرض کنم که اگر این رویه ادامه پیدا کند این دوستی هم دیری نخواهد پایید

باتما قلیچ - ملت همه شامه را دوست دارند
دکتر بقائی - آندفعه هم اینطور بود همین شماها اورا از ملت دور کردید، بعد از وقوع سانحه شوم دانشگاه در کرمان شاهدو ناظر بروز احساسات شاهدوستی مردم بودم وطنی سه سخنرانی در مجامعی که برای شکرانه سلامتی شاهنشاه تشکیل یافته بود در احساسات واقعی مردم شرکت کردم، در این جا اجازه میخوام یک جمله معترضه خدمت آقایان عرض

کنم من چندین سال در اروپا بودم احساسات مردم آنجا را دیده ام ولی احساسات صاف و پاک و بی غل و غشی من در روز ۱۶ بهمن ماه دیدم که مافوقش متصور نمیشد یعنی مافوق احساساتی که من دیدم مال آنروز بود و این چند روز جشن حالا ببینید همین هارا چکار کردند این اشخاص که من از شان داد میزنم این احساسات مردم را چکار کردند در یکی از سخنرانیها فرمایشات ملوکانه را به منابه پیام امیدواری و رستگاری برض مردم رسانیدم و حقیقه هم در خاطر حقیر هیچگاه بیانات و فرمایشات ملوکانه باین درجه صمیمی واز ته قلب نبوده است (صیحیح است) که در تاریخ یک شنبه ۱۷ بهمن ماه از کاخ اختصاصی بوسیله رادیو به ملت ایران فرموده بودید حقیر مردم را باستاند همان فرمایشات ملوکانه که حاوی عالیترین احساسات و عواطف خیر پرستی و مردم دوستی و شفقت خاصی که در نتیجه تربیت معنوی و سرشت پاک ذات مقدس ملوکانه است امیدوار ساختم. جشنها و شکر گذاریها خاتمه پیدا کرد و مردم با خوشوقتی تمام از سلامتی و صحت ذات ملوکانه بکارهای عادی خویش پرداختند ولی پس از چند روز باولای نظامی دستور رسید که ابراز احساسات ادامه پیدا کند و پیدا هم کرد ولی اعلیحضرت ناخیلی متأسفم برض برسانم احساساتی که پس از این دستور ابراز شد قابل مقایسه با آن احساسات اولیه نبود و اگر عرض کنم جنبه های تصنیفی و اغراق آمیز آن بی ابراه نبود شاید خیلی کمتر از حقیقت واقع را بیان کرده باشم. در تمام مملکت حال بدین منوال بود و بیچاره مردمی که در ابتداء با کمال شغف و شادمانی و از صمیم قلب با منتهای میل و رغبت دست از کار کشیده و با نهایت خلوص در مساجد و مجالس و جشن و شکر گذاری شرکت کرده بودند این دغمه مجبور شدند برای خوش آمد فلان فرمانده لشکر کار و کاسبی خود را ترک کنند و متأسفانه تبلیغات نسنجیده و خسته کننده رادیو هم در افزودن احساسات واقعی مردم بی تقصیر نبود ...

کشاورز صدز خیر آقا اینطور نبود.

دکتر بقائی - آقای کشاورز صدر خود شما بفرمائید که در آنروزها چند دفعه رادیو را به محض باز کردن فوراً خاموش کردید بالاخری حرف بزنید و نمیتوانم قبول کنم که این اعمال از روی نادانی و عدم تمرد صادر شده باشد بلکه یقین دارم این تظاهرات باضافه اعمال بی رویه ای که تکذیب عملی فرمایشات ملوکانه بود در قیام برای دور ساختن قلوب مردم بیچاره از شاهنشاه مهربور آن صورت گرفته است.

شاهنشاه - آنچه بشر فرض رسیدم مختصری از دلائل بیشمار است که حقیر را وادار نموده با شعور و وجدان کامل بمواقب و اهمیت رویه ای که اتخاذ کرده ام برای حفظ آزادی و حق و عدالت این مبارزه مقدس را آغاز کنم و ندای وجدان و حقیقت را چنان بلند بانگ برزنم که تمام دنیای متمدن را رعشه براندام و افتند و در این مبارزه مقدس اگر هم تنها بمانم تا پای جان یا فشاری خواهم کرد و از هیچ گونه مانع و عایقی و دسیسه ای نخواهم هراسید .

از نامه سیاه نترسم که روز حشر باقیض لطف حق صد از این نامه طی کنم و پس از من کافی است که در بین ۱۵ میلیون جمعیت ایران تنها یک عنصر فداکار و از خود گذشته داوطلب ننگهانی مشعل آزادی گردد تا بدین ترتیب انوار پرفروغ حق و آزادی به نسلهای آینده پرتو افکن باشد . تمام شد این عریضه ای بود که بنده با اعلیحضرت زشته بودم ، نه روزنامه ها چاپ کردند و نه چاپخانه ها برای اینکه شهر بانی دستور داده که چاپ نکنند چاپخانه مجلس هم بهمین ترتیب آقای رئیس مجلس هم دستوری صادر نفرمودند کار پرداز ها هم که انتخاب شدند گفتند باشد تا استیضاح بشود حالا که استیضاح شده است مجبورند چاپ کنند .

نایب رئیس - اجازه بفرمائید آقای دکتر بقائی اولاً یک قسمت از استیضاح شما که مربوط به مکتوب خارجی بود بایستی گفته شود که ما اجازه نمیدهیم که در کار ما بیگانه دخالت کند و اگر اظهاراتی هم بکنند بهیچ وجه سندی نیست ندارد ثانیاً اظهارات اتسان نامه ای بود بود بمقام ملوکانه خوبست که موارد استیضاح خودتان را معین بفرمائید که دولت هم روشن باشد .

دکتر بقائی - معین کرده ام حالا وارد در استیضاح میشوم این یک پیش درآمدی بود .

محمد علی مسعودی - ضمناً هم دستور بفرمائید که جلسات بعد از ظهرها باشد .

نایب رئیس - استیضاح آقای دکتر بقائی خیلی مطول است و از قراری که خودشان میگویند پیش از یک ساعت ونیم طول میکشد .

دکتر بقائی - یک قسمتش یک ساعت ونیم طول میکشد حالا اتخاذ شدند نشود .

۴ - تعطیل جلسه بعنوان تنفس

نایب رئیس - اگر اجازه میدهید چون آقایان خسته شده اند جلسه را فردا صبح ساعت هشت ونیم صبح موکول میکنیم که انشاء الله در ظرف سه چهار ساعت بتوانیم استیضاح را تمام بکنیم آقای وزیر کشور فرمایشی دارید ؟

وزیر کشور - بنده از طرف دولت استدعا داشتم که آقایان نمایندگان مجلس موافقت بفرمایند که جلسات ادامه داشته باشد .

نایب رئیس - پس جلسه امروز را بطور تنفس خاتمه میدهم ، جلسه فردا ساعت سه ونیم قبل از ظهر (پنج دقیقه بعد از ظهر مجلس بعنوان تنفس تعطیل گردید)

نایب رئیس مجلس شورایی
امیر حسین ایلیخان ظفر بختیار